

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مروری بر بحث جلسه‌ی گذشته در زمینه‌ی تعقیبات

جلسه‌ی قبل به بحث تعقیبات نماز وارد شدیم و اشاره کردیم که هدف و غایت تعقیبات استمرار بخشیدن به حال و هوای نماز و تسری دادن آن حال و هوا به همه‌ی زندگی‌مان است؛ استمرار یاد حق است. چون «اقم الصلاة لذكركي»^۱ نماز برای یاد خداست؛ تعقیبات می‌خواهد یاد خدا را در همه‌ی زندگی ما گسترش بدهد.

در نماز حسّ حضور داریم و حضور در محضر الهی را حس می‌کنیم. تعقیبات آمده تا در تمام زندگی حسّ حضور را داشته باشیم و حضور خدا را در لحظه‌لحظه‌ی زندگی‌مان احساس کنیم.

نماز ارتباط قلبی با خداست. تعقیبات آمده تا این رابطه‌ی قلبی را استمرار ببخشد و این رازونیا و گفت‌وگوی درونی با خدا را در طول زندگی و در همه‌ی آن استمرار ببخشد.

نماز خدا را دیدن و غیرخدا را ندیدن است؛ از غیرخدا چشم پوشیدن و چشم به خدا گشودن است؛ از غیرخدا دست کشیدن و رو به خدا آوردن است؛ با غیرخدا سخن نگفتن و تنها با خدا سخن گفتن است. تعقیبات آمده تا این را به همه‌ی زندگی ما تسری بدهد؛ تا در زندگی‌مان هم غیرخدایی نبینیم و تنها خدا را ببینیم. در تمام زندگی‌مان، اعم از خورد و خوراک، آمد و شد، کسب و کار، تحصیل و تعلیم، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، در هر کار و هر گوشه از زندگی‌مان این‌گونه باشیم؛ غیرخدایی نبینیم؛ با خدا

^۱. سوره‌ی طه، آیه‌ی ۱۴.

بگوییم؛ از خدا بشنویم؛ به خدا بدهیم و از خدا بگیریم. تعقیبات آمده است این کار را بکند. به قول شاعر:

مردان خدا پرده‌ی پندار دریدند یعنی به جهان غیرخدا هیچ ندیدند

هر دست که دادند، از آن دست گرفتند هر نکته که گفتند، همان نکته شنیدند

تعقیبات برای چنین هدفی آمده است.

اشاره کردیم که تأکید ویژه‌ای بر تعقیبات نماز شده است؛ لذا خدمت عزیزان عرض می‌کنم، نمازتان را که خواندید، کمی بنشینید. سلام نماز را که دادید، بلافاصله بلند نشوید و راه نیفتید؛ یا بلافاصله رویتان را به اطرافیان نکنید که متوجه و مشغول صحبت با آنها شوید. چند دقیقه همان‌جا آرام و مؤدب بنشینید؛ سکوت کنید و چه بهتر که مشغول تعقیبات می‌شوید.

خدا حاج آقای دولابی را رحمت کند؛ خاطر هست که یک‌وقت ایشان به این نکته اشاره می‌کردند، که بعد از نماز کمی سر سجاده‌تان بنشینید و زود بلند نشوید که بروید. یکی از حضار شوخی کرد؛ گفت: حاج آقا ما به این خاطر بلند می‌شویم و می‌رویم که ممکن است نمازمان از آن بالا دوباره برگردد و بر سرمان بخورد. بلند می‌شویم و می‌رویم که نمازمان به سرمان نخورد. حاج آقا فرمودند: عیبی ندارد. بنشین. مگر به سرت بخورد چه می‌شود؟ به سجده می‌روی؛ سجده می‌کنی؛ یک «عَفْوَاً؛ عَفْوَاً» می‌گویی و استغفار می‌کنی که من در نماز حواسم پرت بود؛ یا مثلاً خیلی درست و حسابی نمازم را نخواندم. دوباره نماز بالا می‌رود. این را که گفتم، آن دوست شوخی کرد؛ ولی واقعیت این است. مقداری بنشینیم؛ زود بلند نشویم و یا متوجه خلق نشویم. بگذاریم حال و هوای بدست آمده از

رهگذر نماز کمی ادامه و استمرار پیدا کند. اگر تعقیبات را هم بلد نبودیم، یا آنچه را بلد بودیم خواندیم، ساکت بنشینیم. من در مساجد دیده‌ام بعضی از نمازگزارها خیلی با ادعیه آشنا نیستند و آنها را حفظ نیستند. چهارتا دعایی که پشت بلندگو یا با صدای بلند می‌خوانند، تکرار می‌کنند و هنگامی که تمام شد، شروع می‌کنند به صحبت کردن با بغل دستی‌ها. این خیلی اشتباه است. دعا هم بلد نیستی، عیبی ندارد. عزیزم؛ آرام بنشین. یک چیز بزرگ به تو بگویم؟ بنشین؛ بگو: خدایا! هرچه بلد بودم گفتم؛ دعایی را که بلد بودم خواندم و ذکر را که بلد بودم گفتم؛ حالا نوبت شماست، شما حرف بزن. بنشین ببین خدا چه به تو می‌گوید؛ ببین در قلبت چه می‌آید. حیف است بلند می‌شوید. تعقیبات را از دست ندهید. میوه‌ی نمازتان را در تعقیب می‌چینید و ثمره‌ی آن را آنجا به دست می‌آورید.

تفاوت مستحبات با واجبات

تعقیبات مستحب‌اند. مستحبات فرقی با واجبات دارند. من یک‌وقت به شما پولی بدهکارم، بدهی‌ام را به شما می‌پردازم. طبق حکم عدالت بدهی‌ام را باید به شما بپردازم؛ خیلی هم هنر نکرده‌ام. به شما بدهکار بوده‌ام و بدهی‌ام را پرداخته‌ام. اما گاهی شما طلبی از من ندارید. مثلاً من به کربلا می‌روم و از آنجا برایتان یک مهر و تسبیح، یا سجاده‌ای می‌خرم. چیزی را به منزله‌ی سوغات می‌آورم و آن را به شما هدیه می‌دهم. شما که از من طلب نداشتید. هدیه پیام‌آور محبت به شخصی است که فرد به او هدیه می‌دهد و در قلب او هم نسبت به هدیه‌دهنده ایجاد محبت می‌کند. گویی انسان با واجبات بدهی‌اش را به خدا می‌دهد؛ اما مستحبات کادو، هدیه و سوغاتی است که می‌برد. با این کار هم محبت

خود را به طرف مقابل ابراز می‌کند، (چون من به تو بدهکار نبودم که بدهی‌ام را بدهم. چون دوستت دارم این را به تو می‌دهم.) و هم هدیه‌ای که به او دادی، در قلب او نسبت به تو ایجاد محبت کرد؛ لذا به این عمل، "مستحب" می‌گویند. مستحب از حبّ آمده است و تعقیبات مستحب‌اند.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «حَسِّنُوا نَوَافِلَكُمْ» "نافله" یعنی عمل مستحب. چون نمازهای بعد از نماز واجب هم مستحب‌اند، به آن نمازها هم نماز نافله می‌گویند؛ اما خود نافله به معنی عمل مستحبی است. فرمودند: «حَسِّنُوا نَوَافِلَكُمْ» اعمال مستحبی‌تان را خیلی قشنگ به‌جا بیاورید. «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا هَدِيَّةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»^۲ و بدانید اعمال مستحبی شما هدیه‌ای برای خدای عزوجل است. در مقایسه با وقتی که انسان بدهی‌اش را به شخصی می‌پردازد، هدیه دادن به شخص، از محبت انسان نسبت به او بیشتر حکایت می‌کند.

چند نکته در کلیات مستحبات

در چه حالی به انجام مستحبات پردازیم؟

نکته‌ی اوّل: در مستحبات قیدهایی وجود دارد. در بحث عبادات کتاب شراب‌طهور مفصل برایتان نوشته‌ام. مستحبات وقتی باید انجام شود که انسان حال خوش، شوق، رغبت و تمایل به انجام مستحبات دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِذْبَاراً»^۳؛ گاهی اوقات قلب‌های انسان‌ها حالت پذیرش و اقبال دارند و گاهی اوقات هم حالت ادبار، پشت کردن و عدم پذیرش. «فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ» وقتی دل‌ها رو آوردند و رویکرد

۲. مجلسی، بحار، ج ۸۴، ص ۲۲ و منسوب به امام رضا علیه السلام، الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، ص ۱۱۲.

۳. حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۰ و مجلسی، بحار، ج ۸۴، ص ۳۰ سیدرضی، نهج البلاغه، ص ۵۳۰.

قلب با شوق و اشتیاق است، در این صورت آن را مشغول اعمال مستحبی کنید. «وَ إِذَا
 أَذْبَرْتُ فَأَقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ» ولی وقتی می بینی برای اعمال مستحبی حال نداری، به
 واجبات بسنده کن؛ چون اگر در حالتی که روح و دل پذیرا نیست، به زور مستحبات را به
 خورد روح و جانت بدهی، حالت زدگی، بدآمدن، انزجار و نفرت ایجاد می شود. خیلی
 وضعیتی بدی است که انسان نسبت به عبادات، ذکر خدا، تلاوت قرآن و دعا چنین حالتی
 پیدا کند. البته اینکه چرا گاهی قلب ما پشت می کند و پذیرا نیست هم بحث مفصلی
 دارد. آن هم تصادفی نیست. پیامد کارهای قبلی ماست که روح حالت شادابی و پذیرش
 معنویات را از دست می دهد.

حدّ پرداختن به مستحبات

نکته ی دوم: باید به قدری به مستحبات پرداخت که به واجبات لطمه ای نزند.
 امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «لَا قُرْبَةَ بِالنَّوَافِلِ إِذَا أَصْرَتْ بِالْفَرَائِضِ»^۴ وقتی عمل مستحبی به عمل
 واجب ضرر می زند، انجام مستحب هیچ تقریبی ایجاد نمی کند. مستحبات بسیار قرب آفرین
 است؛ اما اگر طوری به مستحبات پرداختی که از واجبات باز ماندی، آن مستحب دیگر
 قرب آفرین نیست. یا فرمودند: «إِذَا أَصْرَتْ النَّوَافِلُ بِالْفَرَائِضِ فَارْضُوهَا»^۵؛ وقتی دیدی عمل
 مستحبی تو به واجبات ضرر می زند، از عمل مستحب دست بکش و ادامه نده.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

۴. حرّعاملی، وسائل الشّیعه، ج ۴، ص ۲۸۶ و سیّدرضی، نهج البلاغه، ص ۴۷۵ و تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۷۷۱.

۵. حرّعاملی، وسائل الشّیعه، ج ۴، ص ۲۸۶ و مجلسی، بحار، ج ۶۸، ص ۲۱۸ و سیّدرضی، نهج البلاغه، ص ۵۲۵.